

شعر و شاعری ایرانیان

بحثی در کمیت

فرخ امیرفریاری*

از جمله ویژگیهای ایرانیان علاقه آنها به شعر است. هم خواندن آن و هم سرودنش. بسیاری از ایرانیان حتی آنها هم که سواد چندانی ندارند در خلوت برای دلشان شعر می‌گویند. در این میان برخی از ولایت‌ها به شاعر خیزی شهره‌اند.

امیرطاهری زمانی به طنز نوشته بود اردشیر محصص احتمالاً تنها رشتی اندیشه‌مندی است که شعر نگفته است!

از دهه هفتاد شمسی با تغییراتی که در فضای اجتماعی کشور پدید آمد از جمله خاتمه جنگ و ورود نسلی جوان به عرصه شعر و شاعری، انتشار کتابهای شعر و بحث درباره شعر و نقد آن که مدتی تعطیل و در حال رکود بود مجدداً رونق گرفت. پرسش‌هایی مطرح می‌شود که آیا این دوره، دوره شکوفایی شعر است؟ یا آیا چون سرایش شعر کار نسبتاً آسانی است جوانان به آن روی آورده‌اند؟ شعرهای این دوره چه عباری دارند؟ آیا افزایش امکانات چاپ و نشر از جمله شماری ناشر آماتور که به‌رحال می‌خواهند چیزی منتشر کنند و نیز در این چند ساله افزایش روزنامه‌ها و صفحات ادبی آنها و همچنین سایت‌های ادبی در این گسترش تأثیر دارند؟ اما این گفتار قصد پرداختن به این موارد در پاسخ به این پرسش‌ها را ندارد. بلکه همانگونه که در عنوان گفتار اشاره شد کوشش شده است تا در حد مقدور به کمیت شاعران از دیرباز تا امروز در ایران پردازد.

در این زمینه مانند هر حوزه‌ای آمارهای دقیق و متنوع می‌توانند روشنگر بسیاری از مسائل باشند، اما تهیه آمار کار نویسندگان و پژوهشگر نیست و سازمانها و مؤسسات باید به این کار اقدام کنند. در حال حاضر چند سالی است که کارنامه نشر که حاوی فهرست کتابهای منتشر شده یک سال است منتشر می‌شود و مرجع بسیار سودمندی است. اما در این کتاب آمار کتابهای شعر و داستان همراه با نقد این آثار می‌آیند. تفکیک چاپ نخست از تجدید چاپ و موارد دیگر باید توسط پژوهشگر انجام گیرد که کار دشوار و وقت‌گیری است. از اینرو باید به نوعی با نسیبیت و تقریب آماری از موضوع سخن گفت. از این جهت گفته‌ام نگاه نسبتاً آماری!

۱. از سده سوم هجری سردون شعر به پارسی دری آغاز شد و تا امروز ادامه دارد. شمار کثیری از شاعران دیوانها و دفتر شعرهای مستقلی از خود باقی گذاشته‌اند و از شماری دیگر تنها در جنگ‌ها و تذکره‌ها شعر یا شعرهایی آمده با ذکری از آنان شده است.

* فرخ امیرفریاری (متولد ۱۳۲۳)؛ کتاب‌شناس و صاحب‌نظر مسایل نشر؛ رییس کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ یکی از مسؤولان مجله جهان کتاب.

فرهنگ سخنوران کتابی است تألیف دکتر عبدالرسول خیام‌پور استاد فقید دانشگاه تبریز و نخستین بار در سال ۱۳۴۰ در تبریز منتشر شده است. این کتاب در واقع کتاب‌شناسی شاعران پارسی‌گوی است. یعنی نام شاعران به صورت الفبایی در آن درج و در برابر نام هر شاعر مشخصات منابعی ذکر شده که درباره آن شاعر و شعرهایش مطالبی در آنها هست. این کتاب از شاعران آغازین تا معاصر (معاصر با زمان زندگی نویسنده) را دربرمی‌گیرد. مثلاً منابعی درباره نیما، سایه و نادرپور نیز در آن درج شده است.

دکتر شفیعی کدکنی یک سرشماری عمومی از شاعران تاریخ ادبیات ایران براساس این کتاب و یکی دو سند دیگر انجام داده است و جمع شاعران را طی این چند قرن متجاوز از ۱۲ هزار نفر دانسته است. (۱)

۲. شمار کتابهای منتشر شده در زمینه شعر نو فارسی ظرف ۵۰ سال (از ۱۳۰۱ تا ۱۳۵۰) با احتساب تجدید چاپ برخی عنوانها ۴۹۷ عنوان بوده است. (۲) یعنی در طی این دوره ۵۰ ساله بطور میانگین هر سال کمتر از ۱۰ عنوان کتاب منتشر شده است. البته باید در نظر داشت که این کتابشناسی تنها شامل کتاب است نه شعرهایی که در مطبوعات چاپ شده‌اند و دیگر اینکه تنها شامل مشخصات کتاب شعرهایی به شیوه نو است.

۳. تعداد شاعران ایرانی که در یک سده اخیر کتاب مستقلی از ایشان منتشر شده است بیش از ۳۱۰۰ نفر و شمار کتابهای منتشر شده در این دوره بدون احتساب تجدید چاپها حدود ۵۷۰۰ عنوان بوده است. (۳)

۴. در کارنامه نشر سال ۱۳۸۵ ذیل موضوع شعر معاصر که البته حاوی سروده‌ها در قالب‌های کلاسیک و کهن و نیز کتابهای نقد و بررسی هم هست مشخصات بیش از ۱۰۰۰ عنوان کتاب هم چاپ اول و هم تجدید چاپ ثبت شده که در این سال منتشر شده است.

۵. مشاهده آمارهای سالهای اخیر نمایانگر رشد انتشار کتابهای شعر است. مثلاً ۵۰ سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۵۰ را اگر با آمار سالهای اخیر مقایسه کنیم مسلماً افزایش قابل ملاحظه‌ای می‌بینیم. نجف دریابندری چند سال پیش در اظهارنظری به طنز: شاید هم به جد گفته بود افزایش نویسندگان ما به دلیل افزایش جمعیت کشور است!

اگر آمار استاد کدکنی را در نظر بگیریم، در یک دوره تقریباً هزارساله ۱۲۰۰۰ شاعر بوده‌اند که نامی از آنها باقی مانده است. یعنی تقریباً سالی ده نفر. با در نظر گرفتن افزایش جمعیت و از آن مهم‌تر امکانات چاپ و نشر شاید چندان با افزایش شاعران و کتابهای شعرشان مواجه نبوده‌ایم. (۴)

متأسفانه آمار دقیقی از جمعیت ایران در سده‌های گذشته در دسترس نیست. تخمین زده می‌شود که جمعیت ایران در سال ۱۲۸۵ (که بیش از ۱۰۰ سال پیش می‌شود) ۱۰ میلیون بوده است که الان این رقم ۷ برابر شده است. از آن مهم‌تر افزایش رقم تحصیلکردگان و دانش‌آموزان و دانشجویان است که افزایش آنها گاهی از چند هزار برابر بیشتر است.

۶. دکتر شفیعی در همانجا (دوار شعر فارسی) می‌نویسد که برای شاعران قدیم هفت درجه یافته است: پنجاه درصد در درجه هفت‌اند، سی درصد درجه شش و دوازده درصد درجه پنج و پنج درصد درجه چهار و دو درصد درجه سوم، یک درصد درجه دوم و شمار شاعران درجه اول به نسبت درصد نمی‌رسد و مجموعاً ده نفر بیشتر نیستند.

این تقسیم بندی به اعتبار گوینده آن بسیار اهمیت دارد و باید مورد توجه شاعران جوان قرار گیرد. در طول ۱۲ سده و از میان بیش از ۱۲ هزار شاعر تنها ده نفر به ستیغ رسیده‌اند.

یکی از شاعران به خانم جوانی که چند کتاب شعر منتشر کرده بود گفته بود «خانم انصافتان کجاست؟ حافظ یک کتاب دارد و آن وقت شما پنج کتاب!» بیژن جلالی نیز شتاب شاعران جوان در انتشار آثارشان را نمی‌پسندید.

استاد باستانی پاریزی در زمان رواج کودتاها و سقوط حکومت‌ها در جهان چیزی به این مضمون نوشته بود که این جمهوری‌های تازه‌تأسیس که پی در پی هم فرو می‌ریزند تنها کاری که می‌کنند این است که کار تاریخ‌نویسان را زیاد کنند! شاید برخی شاعران نیز تنها کار مورخان ادبیات را زیاد کنند!

از شوخی گذشته نباید هیچ منعی در راه انتشار شعر باشد، اما باید دید که مخاطبان واقعی هر دفتری چند نفرند. خوانندگان مختارند هر چیزی را که خواستند بخوانند و نباید شاعران از آنها گله‌مند باشند که چرا کتاب آنها را نمی‌خوانند. بدیم که از حدود ۱۲ هزار نفر در طی قرن‌ها تنها ده نفر درجهٔ اول شده‌اند.

مراجع:

۱. محمدرضا شفیعی کدکنی. ادوار شعر فارسی، از مشروطیت تا سقوط سلطنت، ج ۲، تهران: سخن، ۱۳۸۰، ص ۱۴۷.
 ۲. میمنت ذوالقدری (میرصادقی). کتابشناسی شعر نو در ایران، تهران: انجمن کتاب، ۱۳۵۵.
 ۳. مهدی غفوری ساداتیه (فقیر خراسانی). فرهنگ کتابشناسی شعر شاعران؛ جاودانه‌ها، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۰، ج ۳.
 ۴. البته باید در نظر داشت که در دنیای قدیم نیز شعر «رسانه»‌های خاص خودش را داشته است. برای اطلاع از این موضوع نگاه کنید به مقالهٔ دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی. «راههای انتشار یک شعر، در قدیم». اشراقنامه؛ مجموعهٔ مقالات تاریخی، اجتماعی، ادبی، جغرافیایی. زیر نظر محمد دبیرسیاقی. قزوین: حدیث امروز، ۱۳۸۱، صص ۱۶۵-۱۹۱.
- تأسیس سایت‌ها و وبلاگ‌های ادبی در حوزهٔ شعر، و حتی انتشار دفترها و مجموعه‌های شعر در آن‌ها، که به‌ویژه از آغاز هزارهٔ سوم میلادی، به زبان فارسی گسترشی روزافزون یافته است، از دایرهٔ این بحث بیرون است.